

درباره اقدام غیر حرفه‌ای بعضی کسب و کارها و قصه تکراری برخی واکنش‌ها

تعطیلی «مخچه»؛ باگ دیجیتال مارکتینگ



عاطفه جعفری

خبرنگار گروه فرهنگ

بارها در اخبار آمده که بعضی از زنان -عمدتا متعلق به گروه‌های آنارشیست- برای بیان اعتراض‌شان در محل عبور یکی از دولت‌مردان اروپایی برهنه شده‌اند. فارغ از اینکه آنچه چنین افرادی به آن اعتراض می‌کنند مورد بر حقی است یا نه، آنچه مشخص به نظر می‌رسد این است که چنین رفتاری اوج تلاشگری یک نفر یا یک گروه برای دیده شدن و شنیده شدن است. آنها اگر کوچک‌ترین مسیر دیگری برای دیده یا شنیده شدن را داشتند، مثلاً رسانه‌ای موثر یا نمایندگانی که از مردم رأی گرفته باشند و در بخشی از سیستم‌های رسمی مستقر باشند، محال بود برای مطرح شدن حرف‌شان برهنه شوند. آن دولت‌مرد غربی که به محض برهنه شدن آن زن آنارشیست، طوری که نگار هیچی ندیده و چیزی نشنیده، سرش را با آرامی می‌چرخاند و به مسیرش ادامه می‌داد تا همراهان فرد معترض را از صحنه خارج کند، اگر می‌دانست که چنین پرفورمنسی قرار است سر راهش اجرا

شود حتی از آن‌جا رد نمی‌شد. برای اینکه آن معترض برهنه دیده و شنیده نشود و محتوای اعتراض او چه بر حق و چه ناعاقلانه، چندان به چشم نیاید، جدی‌اش نمی‌گیرند و از کنارش می‌گذرند. این اصولا روش درست و به‌صرفه‌ای برای برخورد با چنین مواردی است. یعنی با افراد یا گروه‌هایی که دست و پا می‌زنند تا دیده شوند یا حتی بعضا آرزو دارند که دستگیر و دادگاهی و زندانی شوند تا به مقام قهرمانی برسند. ما امروز با چنین پدیده‌ای در داخل کشور مواجه هستیم که عده‌ای کشف جناب می‌کنند تا اعتراض‌شان را علنی کنند. البته همه را نمی‌توان یک‌جور ارزیابی کرد. بعضی از این رفتارها واقعا متوجه خودمساله حجاب است، بعضی‌شان دلخوری‌های جورواجور از مسائل دیگر مثل اقتصاد را به‌بهانه موضوع حجاب برون‌ریز کرده‌اند و بعضی‌شان پروژه عده‌ای آدم وابسته هستند. از آنجا که اعتراض به حجاب با هر نیت و از جانب هر کسی، عمدتا یا کشف جناب در مرآی عموم انجام می‌شود و عملا یک حرکت نمایشی است، نه اعتراضی مخفی، زیرزمینی و در پستو، نادیده گرفتن آن باعث نابودی‌اش می‌شود. اگر این اعتراض طوری و در جایی و توسط کسانی انجام شد که امکان نادیده گرفتن آن وجود نداشت، می‌شود در مورد نوع

واکنشی که باید به آن نشان داد، نشست و بحث کرد؛ اما در مورد اینکه نباید به چنین افرادی برای دیده شدن کمک کرد بحثی وجود ندارد. حداقل کسانی که خودشان را مدافع نظام می‌دانند و از روشن ماندن شعله چنین اعتراضاتی نباید خرسند باشند به این نکته هم باید توجه کنند اما در عمل عکس آن را می‌بینیم. عده‌ای می‌روند و می‌گردند و از آن گوشه و کنار یک اعتراض دیده نشده و یک پروژه شکست‌خورده کشف جناب را پیدا می‌کنند و برای روکم کنی هم که شده، علیه آن داد و قال راه می‌اندازند و خودشان را هم حامی نظام اسم می‌دهند. علنا باید گفت عقده‌گشایی و انتقام‌جویی چیزی نیست جز پیروی افراد از هوای نفس و تمایلات شخصی و نمی‌توان روی چنین کاری اسم دفاع جانا نه از نظام و انقلاب را گذاشت. فرض کنیم آن دولت‌مرد غربی به جای اینکه سرش را برگرداند و از کنار زنی که برای اعتراض جلویش برهنه شده به آرامی بگذرد، با او که جیغ می‌کشد، بنای کل کل بگذارد و بحث کند، به عبارتی خودش را به آن راه نزند. آنگاه آن زن و گروه متبوعش را هزار پله به هدف‌شان که دیده شدن بود، نزدیک‌تر کرده است. از این بدتر آن است که آن دولت‌مرد غربی به جای بی‌محتلی، حتی خودش برود و بگیرد و ببیند که کجاست می‌تواند

واکنشی که باید به آن نشان داد، نشست و بحث کرد؛ اما در مورد اینکه نباید به چنین افرادی برای دیده شدن کمک کرد بحثی وجود ندارد. حداقل کسانی که خودشان را مدافع نظام می‌دانند و از روشن ماندن شعله چنین اعتراضاتی نباید خرسند باشند به این نکته هم باید توجه کنند اما در عمل عکس آن را می‌بینیم. عده‌ای می‌روند و می‌گردند و از آن گوشه و کنار یک اعتراض دیده نشده و یک پروژه شکست‌خورده کشف جناب را پیدا می‌کنند و برای روکم کنی هم که شده، علیه آن داد و قال راه می‌اندازند و خودشان را هم حامی نظام اسم می‌دهند. علنا باید گفت عقده‌گشایی و انتقام‌جویی چیزی نیست جز پیروی افراد از هوای نفس و تمایلات شخصی و نمی‌توان روی چنین کاری اسم دفاع جانا نه از نظام و انقلاب را گذاشت. فرض کنیم آن دولت‌مرد غربی به جای اینکه سرش را برگرداند و از کنار زنی که برای اعتراض جلویش برهنه شده به آرامی بگذرد، با او که جیغ می‌کشد، بنای کل کل بگذارد و بحث کند، به عبارتی خودش را به آن راه نزند. آنگاه آن زن و گروه متبوعش را هزار پله به هدف‌شان که دیده شدن بود، نزدیک‌تر کرده است. از این بدتر آن است که آن دولت‌مرد غربی به جای بی‌محتلی، حتی خودش برود و بگیرد و ببیند که کجاست می‌تواند

نه به عنوان شهروندان معمولی با هر شغلی، بلکه به عنوان کارمندان شغال در طاقچه دست به انتشار چنین تصاویری زده‌اند و طبیعتا قبل از اینکه هر کدام از نهاد‌های حقوقی کشور به آنها واکنش نشان بدهند، درون خود این شرکت باید به چنین مسائلی رسیدگی می‌شد. آیساکارمندان جزء و معمولی طاقچه، مدیران آن را در مورد چگونگی موضع‌گیری‌شان در خصوص مسائلی به این مهمی مدیریت می‌کنند؟ قرار نبود مدیران طاقچه برای خود شیرینی، کارمندان‌شان را اخراج کنند. اما طبیعتا این هم حتی برای معقول‌ترین افراد در طرف‌های مقابل‌شان پذیرفتنی نیست که ببینند مدیران طاقچه، خارج از عرف قانونی موضع می‌گیرند و لابد توقع دارند که وقتی کار به اینجا رسیده، حاکمیت با سکوت خودش در برابر آن رفتار و سپس این موضع‌گیری، اقتدارش و اقتدار قانون را متزلزل کند. به‌طور کل با این دست‌فرمان و چنین رفتاری که از بعضی طرف‌های متفاوت نزاع می‌بینیم، نه تا ابد می‌توان جنبه نمادین شدت با نظام را کو رو بی‌اثر کرد و نه می‌شود صحیح و سالم به هیچ کسب و کاری پرداخت. قصه حواشی پلتفرم طاقچه که به‌دلیل تصاویری از کارکنانش پرحاشیه‌شود و برخورد‌هایی که با آن صورت گرفت را در ادامه می‌خوانید.

واضح است که اگر ما از اطلاعات پنهانی که پیرامون حواشی اخیر طاقچه رخ داده خبردار هم‌باشیم، نمی‌تواند محل تحلیل و بررسی ما باشد. ضمن اینکه اقتدر فضا غیرآلود و پر از سوءتفاهم شده که در بررسی واقعه فقط به سراغ آن اخباری رفتیم که از دوست ماجراقم خورده است. در بررسی واکنش‌ها و جریان‌هایی که آنش بیار معرکه بودند، حواس ما به زمان وقوع همه‌هست. مثلاً اینکه طاقچه در باره بی‌حجابی کارکنانش پس از آن روز توضیح داده، خودش محل بحث است و البته سوال که چه نفعی از این تاخیر در پاسخگویی می‌برده است که اگر این فتره تاخیر در پاسخگویی مدیران طاقچه، رخ نمی‌داد شاید خیلی از دعواها سمت و سوی دیگری می‌گرفت.

عکس‌روی طاقچه

دوم‌مردادماه عکس دسته‌جمعی از کارمندان طاقچه در فضای مجازی منتشر شد، که در این عکس تعدادی از کارمندان این پلتفرم بدون حجاب بودند. فضای جنجالی که حول و حوش این تصویر به‌وجود آمده بود، یک مطالبه‌جمعی برای پاسخگویی از سوی مدیران این پلتفرم را ایجاد کرد. خبری از پاسخ رسمی نبود و به جای آن مدیرعامل این پلتفرم در فضای مجازی و در واکنش به کسانی که این ماجرا را تویییت با استوری کرده بودند، توضیح می‌داد که این عکس به‌صورت رسمی منتشر نشده و فضای مجازی و شخصی یکی از کارمندان این پلتفرم که‌خداحافظی کرده، منتشر شده است. جواب‌های لطیفی، مدیرعامل طاقچه دست به دست می‌چرخید اما باز هم از جوابیه رسمی خبری نبود. انتشارات «به‌شیر» از اولین ناشرانی بود که به این موضوع واکنش نشان داد و با انتشار نامه‌ای برای این پلتفرم، خواستار حذف کتاب‌های به‌نشر و قطع همکاری شد. بعد از این ناشر، انتشارات خط مقدم، سوره‌مهر، امیرکبیر، راه‌یار و... هم همکاری خود را با این پلتفرم قطع کردند و در عین حال به دنبال جوابی برای این موضوع بودند. انتشارات کتابستان معرفت اما رویه دیگری برای اعتراض به طاقچه پیدا کرد. این انتشارات یک بسته‌رمان با محتوای حجاب و فرهنگ ایرانی را آماده و اعضای طاقچه هدیه کرد و همراه با نامه‌ای منتشر کرد. در متن نامه این ناشر آمده بود: «همه ما اهالی کتاب‌نشر در تلاشیم تا کتاب در ایران عزیز در دسترس‌تر، راحت‌تر و خواندنی‌تر شود. همه ما اهالی کتاب و نشر تلاش می‌کنیم با همه فرزندان ایران گفت‌وگو کنیم و اجازه ندهیم فرهنگ

واضح است که اگر ما از اطلاعات پنهانی که پیرامون حواشی اخیر طاقچه رخ داده خبردار هم‌باشیم، نمی‌تواند محل تحلیل و بررسی ما باشد. ضمن اینکه اقتدر فضا غیرآلود و پر از سوءتفاهم شده که در بررسی واقعه فقط به سراغ آن اخباری رفتیم که از دوست ماجراقم خورده است. در بررسی واکنش‌ها و جریان‌هایی که آنش بیار معرکه بودند، حواس ما به زمان وقوع همه‌هست. مثلاً اینکه طاقچه در باره بی‌حجابی کارکنانش پس از آن روز توضیح داده، خودش محل بحث است و البته سوال که چه نفعی از این تاخیر در پاسخگویی می‌برده است که اگر این فتره تاخیر در پاسخگویی مدیران طاقچه، رخ نمی‌داد شاید خیلی از دعواها سمت و سوی دیگری می‌گرفت.

واضح است که اگر ما از اطلاعات پنهانی که پیرامون حواشی اخیر طاقچه رخ داده خبردار هم‌باشیم، نمی‌تواند محل تحلیل و بررسی ما باشد. ضمن اینکه اقتدر فضا غیرآلود و پر از سوءتفاهم شده که در بررسی واقعه فقط به سراغ آن اخباری رفتیم که از دوست ماجراقم خورده است. در بررسی واکنش‌ها و جریان‌هایی که آنش بیار معرکه بودند، حواس ما به زمان وقوع همه‌هست. مثلاً اینکه طاقچه در باره بی‌حجابی کارکنانش پس از آن روز توضیح داده، خودش محل بحث است و البته سوال که چه نفعی از این تاخیر در پاسخگویی می‌برده است که اگر این فتره تاخیر در پاسخگویی مدیران طاقچه، رخ نمی‌داد شاید خیلی از دعواها سمت و سوی دیگری می‌گرفت.

نان دو قطبی سازی در دعوی طاقچه

این ماجرای که شرح دادیم را با کمی‌بیش وقایعش حتما خوانده‌اید. واضح است که مجموعه طاقچه باید نسبت به رفتار خارج از چهارچوب قانونی که رخ داده بود، عذرخواهی می‌کرد و این نقد همواره به هر کدام از جریان‌هایی وارد است که به دنبال تبدیل کردن یک‌موضوع به یک بحران بزرگ اجتماعی هستند تا از این فضا سولستفاده کنند. صفت‌بندی‌وطراحی‌مواضع به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که نه تنها به حل مساله کمک می‌کند که باعث می‌شود یک سیستم فرهنگی به‌ین‌بسیست در حل مساله‌آمیز مسائل برسد. تعامل هاسرع جایشان را به‌نتزاع می‌دهد و آدم‌ها و مجموعه‌هایی که قرار است در موضوع فرهنگ تولید محتوا کنند مبتنی بر همان پیش‌فرض‌های دشمنی، شدیدترین لحن و مواجهه را انتخاب می‌کنند. به نظر می‌رسد در طرف ماجرا کسانی هستند که از تشدید شکاف‌های اجتماعی بهره‌کشی می‌کنند. به‌دوسوی دعوی‌ها به‌دوسر قطب‌های ایجاد شده، افراد و جریان‌هایی جسیبده‌اند که حتی سر آن مشترکات هم با باقی جامعه هم‌مدل نیستند و تنها در همین فضای درگیر و شکاف‌خورده است که می‌توانند هم‌مصدا پیدا کنند. این جماعت بهره‌کش نمی‌خواهند فضا از این دوگانگی حاد بیرون بیاید و به قول معروف نان‌شان در دعواست. انتشارات یک تصویر جنجالی بهترین خوراک برای دمیدن در آتش اختلافات است.

کسب و کارهای دیجیتال را قربانی نکنید

برخورد کسب و کارهای دیجیتال همچون دیجی کالا، طاقچه و ازکی با

امر غیرمرتبط با کسب و کارشان، ناشی از یک رفتار غیر حرفه‌ای است. این احتمال بعیدی نیست که مدیران کسب و کارهای دیجیتال نتوانند نسبت به مسائل اجتماعی فهم دقیقی داشته باشند اما واقعا جای تأمل است که نتوانند خط و مرز واضحی بین حرفه و کنش‌های اجتماعی قائل شوند. ورود به امر اجتماعی در چهارچوب قواعد حاکمیتی تعریف می‌شود و درحقیقت مشکلاتی همچون حواشی طاقچه، از خروج صاحبان کسب و کار دیجیتال از رفتار حرفه‌ای شروع می‌شود نه از ورود حاکمیت در امر اجتماعی! اینکه در چنین وضعیتی راه حل چیست باید به نمونه‌های مشابه نگاه کرد. مثلاً در دانشگاه یک قاعده داریم به نام کمیته انضباطی که از داخل حوزه دانشگاهی به مسائل می‌پردازد یا در مواردی که رسانه‌ها تخلف می‌کنند هم بررسی و رسیدگی به دادگاه رسانه محول شده است. به نظر می‌رسد پیش از اینکه چالش‌های جدی در این حوزه شکل بگیرد باید کمیته تخلفات کسب و کارهای دیجیتال راه‌اندازی شود که با رویکرد انضباطی نسبت به خروج از کسب و کارهای دیجیتال از چهارچوب حرفه‌ای، به مسائل ورود کند و برگه این قصه سر دراز دارد.

چرا سکوت را گذاشتند لب طاقچه

مشکلات و مسائل بزرگ، همان قصورهای کوچکی هستند که به‌موقع به آنها رسیدگی نشده است. بیایید یک‌دیگر همه چیزی را که در حال رخ دادن است، مرور کنیم. این اتفاقات به نقطه بحران نمی‌رسید اگر مدیران طاقچه به‌موقع و بدون شیطنت پاسخگوی آن اتفاق جنجالی می‌بودند. اینکه مجموعه‌ای فرهنگی مثل طاقچه در فهم تعامل سازنده با محیط پیرامونی خودش ناتوان باشد و نتواند مبتنی بر قوه عاقله شرایط اجتماعی امروز ایران را رصد کند، واقعا اعجاب‌انگیز است. آن هم مجموعه‌ای که بیش از ۱۰ سال سابقه فعالیت فرهنگی دارد و تعاملی مستمر با مردم و دستگاه‌های فرهنگی داشته است. مدیران طاقچه در پاسخگویی و عذرخواهی نسبت به مطالبه عمومی، نه تنها دیر عمل کرده‌اند، بلکه تدبیر لازم و درستی برای رفع اتهامات وارده نداشته‌اند و با اتخاذ موضعی طلبکارانه فقط بر آتش اختلافات دمیده‌اند. ادامه چنین رویه‌ای نه تنها هیچ آورده‌ای برای این مجموعه نخواهد داشت، بلکه منجر خواهد شد که تصمیم مدیران فرهنگی واکنشی به همین رویه غیرمنطقی باشد که در پیش گرفته‌اند.

